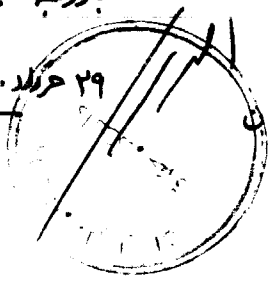


با درجه ممتاز پذیرفته شد

۲۹ خرداد ۱۳۵۰ / جعفر نیاکی



دانشگاه ملی ایران

دانشکده حقوق

دیوان بین المللی دادگستری

رساله برای اخذ درجه فوق لیسانس

در علوم اداری

براهنغای استاد محترم

جناب آقای دکتر جعفر نیاکی

تهیه کننده

سید علی مریدی

خرداد ماه سال ۱۳۵۰



۶۰۸۱

موضوع رساله

موضوع این رساله دیوان بین المللی دادگستری است: دیوان بین المللی دادگستری يك دستگاہ قضائی است که در حدود صلاحیت ترافیعی خود باختلافات حقوقی دولتها رسیدگی میکند و رای قاطع میدهد و بارها به حدود صلاحیت مشورتی خود در باره مسائل حقوقی بین المللی نظر مشورتی میدهد.

در مراجعات هر گاه که يك اختلاف بین المللی بدیوان عرضه میگردد، مقصود طرفین اختلاف مزبور اینست که دیوان در خصوص ماهیت آن اختلاف تصمیم بگیرد و برای اینکه دیوان بتواند در ماهیت آن اختلاف تصمیم قاطع بگیرد لازم است تمام نکات ماهیتی را مورد رسیدگی قرار بدهد. ورود دیوان به ماهیت هر اختلاف (مانند هر دستگاہ قضائی دیگر) مستلزم داشتن صلاحیت رسیدگی بآن اختلاف میباشد. پس دیوان ناگزیر است که قبل از ورود به ماهیت بدو نسبت به صلاحیت خود تصمیم بگیرد، اگر صلاحیت خود را محرز دانست مطابق تقاضای دولت مدعی وارد ماهیت میشود و رای میدهد ولی اگر خود را فاقد صلاحیت دانست از ورود به ماهیت اختلاف خودداری میکند و با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده آن اختلاف از لیست دعاوی مطروحه در دیوان خارج میگردد.

در مورد آراء مشورتی هر گاه که مسئله ای بدیوان عرضه میگردد مقصود سازمان

ع.ا.

دیوان بین المللی دادگستری - ۸۰ - ۶۳۸۱ - ۱۳۴۹

بین المللی طرح کننده آن مسئله اینست که دیوان در باره ماهیت حقوقی آن مسئله نظر مشورتی بدهد برای اینکه دیوان بتواند تقاضای مزبور را اجابت کند لازم است که اهلیت متقاضی را احراز کند و حقوقی بودن مسئله مطروحه را مسلم بداند .

پس مقصد تحقیق مشتمل بر دو فرض است : فرض اول - تحقیق در باره شرایطی که با تحقق آنها دیوان صلاحیت دارد نسبت به یک قضیه ترافیکی رسیدگی ماهوی بکند و راجع به ماهیت آن تصمیم قاطع بگیرد . فرض دوم - تحقیق در باره شرایطی است که با تحقق آنها دیوان صلاحیت دارد راجع به یک مسئله حقوقی رای مشورتی بدهد .
 روش : مبنای تحقیق در درجه اول عبارتست از مقررات منشور ملل متحد و اساسنامه دیوان که ضمیمه منشور و جزء لاینفک آن میباشد . اهمیت درجه اول منشور و اساسنامه از اینجهت است که دیوان بموجب مقررات منشور بوجود آمده و بموجب اساسنامه خود انجام وظیفه میکند .

اکتفا بهین دو مبنی برای تحقیق در باره صلاحیت ترافیکی و مشورتی دیوان امکان پذیر نیست . زیرا خود دیوان هنگام دادن رای در باره صلاحیت خود با توجه به ماده ۳۸ اساسنامه ملزم است که بعهده نامه ها و رسوم بین المللی و اصول عمومی حقوق بین الملل بعنوان منابع اصلی و عقاید برجسته ترین نویسندگان حقوق بین الملل بعنوان منابع فرعی استناد کند .

آراء دیوان همیشه باتفاق آراء صادر نمیگردد، بلکه عملاً مشاهده شده است که قضات دیوان در اغلب موارد بدو دسته اکثریت و اقلیت تقسیم میشوند و رای اکثریت دیوان (مانند هر دستگاه قضائی دیگر) رای دیوان محسوب میگردد، ولی قضات اقلیت حق دارند نظریات و عقاید خود را بطور منفرد یا دسته جمعی برهفته تحریر در آورند تا به پیوست رای اکثریت چاپ و منتشر گردد. در تمام موارد قضات اقلیت از این حق استفاده کرده اند و لذا توجه بنظریات و عقاید آنان که بهر تقدیر حقوقدانان عالی مقام و برجسته ای هستند خالی از اهمیت نمیباشد.

اکثر نکات صلاحیتی ضمن مرافعات دول یا تقاضاهای رای مشورتی در دیوان مطرح شده و مورد جر و بحث اطراف قضیه و مذاقه قضات دیوان قرار گرفته است و در نتیجه نظریات دانشمندان کشورهای مختلف جهان برحسب وضع سیاسی و مصلحت اقتصادی و اجتماعی آن کشورها نسبت بهر نکتهای معلوم شده است. آراء دیوان که ارزش عملی و اطمینان بخش دارد بیش از هر مبنای دیگری درخور توجه و استناد است. مخصوصاً که آراء قبلی دیوان در قضایای مشابه بعدی مورد بررسی مجدد خود دیوان قرار میگیرد و در ضمن محققین بین المللی آراء دیوان را مورد تجزیه و تحلیل قرار میدهند و لذا استناد مجدد دیوان به آراء قبلی خود یا تعدیل آنها مبنی جهتی است که دیوان عملاً در آن سیر میکند. بالنتیجه توجه به آراء دیوان

ارزش علمی و ارزش عملی را با هم دارد . اهمیت قاطع توجه به آراء دیوان ناشی از اینست که دولتها هنگام طرح اختلافات خود در دیوان ناچارند که با آراء مدارک مشتمول بر ایرادات دولت مدعی علیه در وهله اول صلاحیت دیوان را ثابت کنند . صلاحیت دیوان وقتی ثابت میشود که دیوان به صلاحیت خود رای بدهد . چون تصمیم دیوان راجع به صلاحیت خود قاطع است لذا احتیاج امکان دولتها باید طریق را در پیش گیرند که دیوان نسبت بصحت آن طریق قبلا تصمیمی گرفته باشد یا جهت سیر کارها در دیوان صحت آن طریق را تأیید میکند و برای دانستن جهت کار در دیوان وسیلهای مطمئن تر از مطالعه و تحقیق در باره آراء صلاحیتی دیوان در دست نیست . همین این نکته در خصوص آراء مشورتی دیوان نیز صدق میکند .

طرح کلی رساله : با توجه بموضوع رساله و مقصد تحقیق لازم بنظر میرسد که قبل از ورود باصل موضوع ، راجع بدیوان بین المللی دادگستری و محل آن در میان سازمانها و موسسه های بین المللی - و نقش آن در روابط بین المللی - و اثر آن در حفظ صلح و امنیت جهانی - و کمکی که به پیشرفت و توسعه حقوق بین الملل میکند مطالبی باختصار گفته شود . این قسمت عنوان مقدمه خواهد داشت :

سپس موضوع رساله با ذکر مختصری از تاریخچه دادگاه مورد مطالعه قرار میگردد و پس از بررسی سازمان و صلاحیت دادگاه و طرز رسیدگی به دعاوی ، به قواعد و مقررات

مورد استناد دادگاه بین‌المللی اشاره می‌گردد و آراء دادگاه (ترافیعی ، مشورتی ،
قرارهای موقتی) و همچنین ضمانت اجرای آراء آن مورد بررسی واقع میشود و با ذکر
نتیجه‌های از مباحث مذکور موضوع رساله پایان می‌پذیرد .

مقدمه

دیوان بین‌المللی دادگستری

دیوان یکی از ارکان اصلی سازمان ملل متحد است. سازمان ملل متحد شش رکن اصلی و چند رکن فرعی دارد که بوسیله آنها و با کمک موسسه های تخصصی و وظائف سنگین خود را انجام میدهد. دیوان رکن قضائی سازمان ملل متحد است.

سازمان ملل متحد مرکزی است که در آنجا مجاهدت های ملل جهان برای منظورهای مشترکی که دارند همساز میگردند. این منظورهای مشترک وظائف سازمان را معلوم میدارند و مهارتند از : نگاهداری صلح و امنیت بین المللی - توسعه روابط دوستانه در میان ملل - و عملی ساختن همکاری میان ملل جهان با حل مسائل بین المللی که جنبه اقتصادی یا اجتماعی ... دارند. اعضای ملل متحد مکلفند که اختلافات بین المللی خود را بوسیله مسائل سلامت آمیز تصفیه کنند بنحوی که صلح و امنیت بین المللی و همچنین عدالت بمخاطره نیفتد. مسائل تصفیه سلامت آمیز اختلافات بین المللی با توجه بماده ۳۳ منشور مهارتند از : مذاکره - کمیسیون تحقیق - میانجگری - آشتی - داوری - رسیدگی قضائی - مراجعه بموسسات یا ترتیبات منطقی - رسیدگی قضائی اختلافات بین المللی دولتها بمعهد دیوان بین المللی دادگستری است.

دیوان بموجب اساسنامه ای که ضمیمه منشور ملل متحد و جزء لاینفک آن است

انجام وظیفه میکند و از نظر کار قضائی از سایر ارکان ملل متحد به کلی مجزا و مستقل است. این دیوان، من جمیع الجهات قائم مقام دیوان دائمی دادگستری بین المللی (که در سال ۱۹۴۶ منحل گردید) و از نظر منشاء تاریخی منشعب از داوری بین المللی و در حقیقت شکل تکامل یافته آن است.

دیوان دائمی داوری بین المللی دو شاخه و دیوان بین المللی دادگستری، آماده حلاخلافات بین المللی میباشد. هر یک از این دو مرجع، تخصص در مسائل معینی دارند و وجود هر یک از آنها منافاتی با وجود دیگری ندارد.

باتوجه بمطالب فوق که نشان دهنده محل دیوان بین المللی دادگستری در میان سایر ارکان ملل متحد و موسسه های بین المللی میباشد برای آشنا شدن با وضع و ماهیت و نقش دیوان موضوعات زیر بررسی میگردد :

فصل اول : سابقه تاریخی قضات بین المللی تا پیدایش دیوان دائمی دادگستری بین المللی .

فصل دوم : پیدایش و انحلال دیوان دائمی .

فصل سوم : ماهیت حقوقی دیوان بین المللی دادگستری .

فصل چهارم : نقش دیوان در روابط بین المللی موجود .

فصل اول

سابقه تاریخی قضاوت بین المللی تا پیدایش دیوان دائمی

ریشه های قضاوت بین المللی را در داوری بین المللی باید جستجو کرد .

ی

داوری عرفی از روزگار قدیم میان دولت - شهرهای یونان مرسوم بوده است و شوراها

داوری دائمی بنام آمفیکسیون معروف بودند . در صدر اسلام که جامعه مسلمانان

بد و جامعه فرسی عراق و شام تقسیم گردید طرفین بد و در صفین بجنگ پرداختند

و چون از شمشیر زدن خسته شدند اختلاف خود را بد داوری رجوع کردند .

در قرون وسطی که دولتهای اروپائی همگی مسیحی و از نظر مذهبی تابع

واتیکان بودند سیاست و مذهب مخلوط بود . در نتیجه داوری مذهبی مرسوم گردید

و اختلافات دولتهای مسیحی اروپا بد داوری پاپ حل و فصل میشد .

در سال ۱۶۴۸ که عهدنامه های وستفالی منعقد گردید جامعه مسیحی اروپا

جای خود را بیک جامعه بین المللی وسیع تری داد و دولت مسلمان عثمانی وارد جامعه

جدید بین المللی گردید . عهدنامه های وستفالی سیاست را از مذهب جدا کرد و پاپ

را از نظر سیاسی در چهار دیواری واتیکان محصور نمود . روابط بین المللی صورت

همکاری دولتهای متساوی الحقوق بر اساس منافع مشترك پیدا کرد . بجای سفارت های

اتفاقی سفارتخانه های دائمی برقرار شد و سیاست موازنه قوا باب تدوین قواعد و مقررات

حقوق بین الملل را مفتوح کرد .

بالتیجه داوری عرفی مجددا اهمیت و رونق پیدا کرد . دولت های طرف

اختلاف بدو بسلاطین داوری میدادند . سپس با انعقاد عهد نامه معروف جنی

پس از جنگهای استقلال امریکا ، بین انگلستان و امریکا روشارجاع اختلافات بکمیسوینهای

مختلط مرسوم شد . مخصوصا در قرن نوزدهم این روش رونق زیادی پیدا کرد . مثلا

کمیسوینهای مختلط امریکا و مکزیک در فاصله سالهای ۱۷۸۱ تا ۱۷۸۶ بدو هزار دعوی

رسیدگی کردند و رای دادند .

چون اقدامات کمیسوینهای مختلط رنگ سیاسی داشت لذا دولتها که با بهای

پیشرفت و توسعه حقوق بین الملل تمایل بیشتری برای حل اختلافات خود با روش حقوقی

پیدا میکردند از کمیسوینهای مختلط روگردان شدند و بهمین جهت داوری حقوقدانان ،

جای خود را در روابط بین المللی بازکردند . در این موقع بود که دولتها بفکر تاسیس

یکدیوان داوری بین المللی افتادند و این فکر را کنفرانسهای لاهه جامه عمل پوشاندند .

مبحث اول — کنفرانس های لاهه

در اواخر قرن نوزدهم داوری بین المللی بدرجهای متداول و شایع شده بود

که حقوقدانان بین المللی بفکر تاسیس یک دیوان داوری بین المللی افتادند که اول

دائمی باشد ، و ثانیا مراجعه اختلافات دولتها باین دیوان اجباری باشد .

در کنفرانس اول صلح لاهه سال ۱۸۹۹ این فکر قوت گرفت، و قرارداد بی‌منظور تصفیه اختلافات بین المللی به وسائل مسالمت آمیز بسته شد که بموجب آن دیوان دائمی داوری بین المللی بوجود آمد. در تاریخ ۲۹ ژوئیه ۱۸۹۹ اساسنامه این دیوان تدوین یافت سپس در کنفرانس دوم صلح لاهه سال ۱۹۰۷ بتصویب دولتها رسید. این دیوان اسما دائمی است ولی در واقع فقط یک لیست دائمی از داوران معرفی شده از طرف دولتها موجود است که طرفین اختلاف هرگاه بخواهند دیوان داوری تشکیل شود از میان آن لیست داوریهای خود را انتخاب میکنند. اجباری شدن مراجعه بدیوان از طرف کنفرانس دوم لاهه پیشنهاد شد ولی تصویب نگردید. انهایه دولتها در قرارداد های دو جانبه و چند جانبه‌ای که منعقد گردماند گاهی حل اختلافات بعدی خود را بوسیله داوری اجباری مقرر داشته اند. در این قراردادها بود که برای اولین مرتبه مطرح گردید که اختلافات متضمن امور مربوط بشرافت ملی و منافع حیاتی و استقلال کشور از صلاحیت دیوان داوری، مستثنی شود، و سپس همین مسئله در مورد بی‌دیوان دادگستری بصورت استثنای موضوعهای مربوط بصلاحیت ملی درآمد. بدین معنی که هر امری اساسا مربوط بصلاحیت ملی کشوری باشد، خوبخود از صلاحیت مراجع بین المللی مستثنی میباشد. در امر تصفیه قضائی نیز صلاحیت دیوان بین المللی دادگستری شامل امور مربوط بصلاحیت ملی دولتها نمیگردد. مصادیق صلاحیت ملی

همان امور مربوط به شرافت ملی و منافع حیاتی و استقلال کشورها میباشد، و لذا از نظر مفهوم یکسان میباشد گرچه از نظر عبارت اصطلاحی متفاوتند.

مبحث دوم - دیوان داوری و دیوان دادگستری

دیوان دائمی داوری بین‌المللی در سال ۱۹۰۷ تأسیس گردید و هنوز هم وجود دارد. در سال ۱۹۲۸ با وجود اینکه دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی تشکیل شد بود و بکار تصفیه قضائی اختلافات بین‌المللی اشتغال داشت معیناً برای توسعه دادن به مراجعات دولتها به داوری یک قرارداد عمومی بین‌المللی در مجمع عمومی جامعه ملل مطرح شد و ۲۳ دولت بآن ملحق شدند. در سال ۱۹۴۶ بنا به پیشنهاد دولت بلژیک این قرارداد عمومی در مجمع عمومی ملل متحد مطرح شد و تصویب رسید. پس از تصویب قرارداد عمومی مزبور از طرف دولتهای عضو، دیوان دائمی داوری بین‌المللی از ۲۰ سپتامبر ۱۹۵۰ به عنوان یک موسسه بین‌المللی تابع سازمان ملل متحد رسمیت یافت. در ۲۳ سپتامبر ۱۹۵۹ از طرف دبیرکل سازمان ملل متحد یادداشتی راجع به بکار دیوان داوری و تشویق دولتها برای استفاده از آن منتشر گردید که متضمن تفاوتی است که میان کار دیوان داوری و کار دیوان دادگستری وجود دارد.

از آنجائیکه این دو وسیله تصفیه مسألت‌آمیز اختلافات بین‌المللی رابطه نزدیکی با هم دارند احتمال قوی می‌رود که وضع و صلاحیت آن دو مخلوط گردد و باعث افشاش

ذهنی گردد . لذا بیان فرق دیوان داورى با دیوان دادگستری و تفاوت کار آنها ضروری بنظر میرسد .

هانس کلسن (۱) معتقد است که یك دیوان وقتى مرجع قضائى محسوب میگردد كه اولاً تمام اعضاى هیئت حاكمه آن ، قضاضى باشند ، ثانیاً - موضوع هر اختلاف را طبق موازین حقوق بین الملل حل و فصل كنند . ثالثاً - فصل اختلافات با كثریت آراء صورتگیرد .

آرتونوس بام برای اسم و عنوان دیوان دائمی که " دیوان دادگستری " نامیده شد ماست نه " دیوان داورى " اهمیت زیادی قائل است و آنرا نشانه این امر میدانند که دیوان دادگستری طبق قواعد و موازین حقوق بین المللی رای میدهد در حالیکه دیوان داورى ، عادتاً طبق اصول انصاف رای میدهد . آرتونوس بام اضافه میکند که طرفین دعوی در مقابل دیوان دادگستری هیچگونه تاثيرى نسبت بتعمین هیئت حاکمه ندارند در حالیکه طرفین دعوی در مقابل دیوان داورى خود اعضاى هیئت حاکمه را تعیین میکنند .

یادداشت ۱۹۵۹ دبیرکل سازمان ملل متحد فرق دیوان داورى و دیوان

دادگستری را بدقت و تفصیل بیان کرده است که ذیل خلاصه میگردد .

۱- اطراف دعوی در ترکیب دیوان دادگستری هیچگونه دخالتی ندارند .

قضات دیوان دادگستری را مجمع عمومی و شورای امنیت برای مدت نه سال انتخاب

(۱) هانس کلسن - کتاب اصول حقوق بین الملل

کرده اند و اطراف دعوی در صورت مراجعه بدیوان ناچار قضاوت آنها را باید قبول کنند ولی انتخاب داوران در اختیار اطراف دعوی است.

۲- دیوان دادگستری عادتاً طبق اصول و قواعد بین‌الطلبی رای می‌دهد.

درحالیکه دیوان داورى طبق اصول انصاف رای می‌دهد.

۳- در مورد رجوع داورى ممکن است جریان محاکمه غیرهنگی باشد و رای صادره

منتشر نشود ولی محاکمات دیوان دادگستری هنگی است و آراء صادره منتشر میگردد.

۴- هزینه‌وسائل کار از قبیل محل و دفتر در هر دو دیوان مجانى است ولى در

داورى حق‌الزحمه داورها را طرفین باید بپردازند. درحالیکه حقوق قضات دیوان

دادگستری را سازمان ملل متحد پرداخت میکند.

۵- جریان رسیدگی در دیوان دادگستری تابع تشریفات طولانى است و تراکم

کار بطول محاکمه می‌افزاید ولی دیوان داورى با سرعت بیشتری اختلافات را فیصله

می‌دهد.

۶- مراجعه بدیوان دادگستری منحصر برای دولت‌ها میسر است و لذا اگر

يك دولت با يك شرکت تجارتى طرف دعوى باشد موضوع قابل رجوع بدیوان داورى میباشد

درحالیکه قابل رجوع بدیوان دادگستری نیست مگر اینکه دولت متبوعه آن شرکت تجارتى

حل دعوى مربوط بهشده بگیرد سپس آنرا بدیوان رجوع کند.

۷- در دیوان داوری امکان حل اختلافات بطریقه سازش میسر است ولی دیوان

دادگستری حکم قانونی میدهد و بیس .

از دیاد روابط بین المللی موجب بروز اختلافات زیادی میگردد ولذا وجود هر دو دیوان لازم است تا هریک از آنها قسمتی از کارها را انجام بدهد . بعلاوه از نظر ترقیات علم حقوق بین الملل جامعه بشری از هیچیک از این دو مرجع نمیتواند صرف نظر کند . آسان بودن مراجعه بدیوان داوری مزیت فخر قابل انکاری است ولی دقت و موشکافی قانونی دیوان دادگستری و ارزش علمی آراء دیوان دادگستری نیز مزیت قابل توجهی میباشد که آراء دیوان داوری عادتاً فاقد آن میباشد .